

## بررسی راهکارهای برونرفت از موانع تقوا در قرآن کریم و روایات

ابراهیم قربانی<sup>۱</sup>

محمد رضا آرام<sup>۲</sup>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۶/۱۱ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۶/۲۷، صفحه ۱۱۶ تا ۱۳۴ (مقاله پژوهشی)

### چکیده

موضوع تقوا، حفظ و تقویت آن همواره در دین اسلام، مورد توجه بزرگان و اندیشمندان بوده است. حفظ تقوا در مرحله نخست، و تقویت آن در مرحله بعد، تنها با شناخت عوامل بازدارنده از تقوا تحقق می‌یابد. قرآن کریم و روایات ائمه معصوم(ع) مهم‌ترین منابع و مراجع شناسایی موانع تقوا بوده و علاوه بر معرفی موانع بازدارنده از تقوا، راهکارهای رفع موانع تقوا نیز در این منابع بیان شده است. با در نظر گرفتن این مطلب که موانع تقوا، عامل یا عواملی هستند که مانع ایجاد و حفظ تقوا در فرد و جامعه می‌شوند، می‌توان این‌گونه بیان نمود که تنها راه برونرفت از این موانع، الگو قرار دادن آیات قرآن کریم و روایات است. در فرآیند شناسایی موانع تقوا، علاوه بر ارائه راهکارهای برونرفت از موانع تقوا به وسیله انجام عبادات فردی و جمعی مانند: نماز، روزه، زکات، حج؛ راهکارهای دیگری از جمله توسل، توکل، صبر، ذکر، امید داشتن به رحمت الهی، نیز تشریح شده است که دانستن آن در ایجاد تقوا و حفظ آن بسیار حائز اهمیت است.

**کلیدواژه‌ها:** تقوا، اوامر، نواهی، موانع، راهکارهای قرآنی، روایات.

۱. دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، واحد تهران مرکزی، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران:

tarjome@chmail.ir

۲. دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، حقوق و علوم سیاسی، واحد علوم و تحقیقات، دانشگاه آزاد

اسلامی، تهران، ایران (نویسنده مسئول): mohammad.aram@srbiu.ac.ir

## درآمد

از مهم‌ترین موانع تقوا و آنچه سبب بی‌تقوایی افراد شده، ارتکاب گناهان مختلف است. در قرآن موارد متعدد و مختلفی را به عنوان مصادیق بازدارنده از تقوا، ذکر نموده است. (فرهنگ قرآن، ج ۸، ص ۳۶۶) از جمله این موارد؛ ارتکاب گناه برخاسته از غرور و نخوت است: *وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ...* و چون به او گویند که از خدا بترس، خودخواهی‌اش او را به گناه کشاند. در آیات و روایات عواملی که موجب بی‌تقوایی می‌شود، مشخص شده و آنچه سبب بی‌تقوایی افراد شده، نافرمانی از اوامر و نواهی الهی است. به تعبیری دیگر عامل نبودن به بایدها و نبایدهای مشخص شده در دین، خود به تنهایی بزرگ‌ترین عامل بازدارنده از تقوا است. خداوند در سوره حشر آیه ۷ به همه مؤمنان دستور می‌دهد که آنچه را پیامبر اکرم (ص) امر می‌کند اجرا کنند و آنچه را از آن نهی کرده، خودداری نمایند و تقوای الهی را پیشه کنند که خدا شدید العقاب است. *وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ*. دقت در آیه نشان می‌دهد که منظور از «*مَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ*»، تمام اوامر پیامبر اکرم (ص) است؛ زیرا نقطه مقابل آن نواهی او است و «*مَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا*». به همین دلیل بسیاری از مفسران مانند: طبرسی در مجمع البیان، و ابوالفتح رازی در روح الجنان، و قرطبی در تفسیر خود، و فخر رازی در تفسیر کبیر تصریح کرده اند که مفاد آیه عام است. طبق این آیه باید در برابر اوامر و نواهی پیامبر (ص) تسلیم مطلق بود و شرط رفع موانع بازدارنده از تقوا، اطاعت از ائمه معصوم (ع) است.

## طرح مسأله

در طول زندگی هر فردی با مشکلات مختلفی است که عمده این سختی‌ها و مشکلات به دلیل اطاعت نکردن از فرامین الهی و انجام گناه رخ می‌دهد. کسی را نمی‌توان یافت که از مشکلات و معضلات سخن نگوید و یا از آن ننالد، مگر آنکه تقوای الهی پیشه کرده و از گناهان دوری کند. درست است که شناخت موانع تقوا به تنهایی انسان را به سرانجامی نیکو نمی‌رساند، اما شناخت این موانع به انسان کمک می‌کند تا با عزمی راسخ در پی رفع موانع بوده و به فرجامی نیکو دست یابد. از این رو، شناخت و یافتن راهکار برای رهایی از موانع تقوا، دغدغه هر انسان مومنی است. در تعالیم قرآن و معارف اهل بیت (ع) برای برون‌رفت از موانع تقوا و مشکلات پیرامون آن، حتی آنهایی که بیرون از اراده و اختیار آدمی است و در حقیقت می‌توان آن را مشکلات طبیعی دنیا دانست راهکارهایی بیان شده است. این راهکارها، افزون بر راهکارهایی است که آیات و روایات به عنوان راهکارهای عادی و معمولی و از طریق بهره‌گیری از ابزار و اسباب دنیوی ارائه می‌دهد. به این معنا که انسان برای رهایی از موانع می‌تواند از سازوکارهایی استفاده کند که

وی را از این گونه مشکلات رهایی می‌بخشد. این راه‌ها را می‌توان در حوزه‌های مختلف و با بهره‌گیری خرد و عقل و دیگر اسباب به دست آورد. سخن این است که وقتی انسان از اسباب‌ها به هر دلیلی نتواند بهره بگیرد و یا به سختی و دشواری از آنها استفاده کند و یا در مقام نومی‌دی از اسباب قرار گیرد چه راه کاری را قرآن و احادیث برای این مرحله و مرتبه قرار داده است؟ آیا اصولاً ساز و کاری برای این مرتبه و مرحله است؟ اگر راهکاری وجود دارد آن چیست؟ آیا قرآن و اهل بیت (ع) راهکاری عام و کلی و برای همگان دارند؟ آن راهکار پیشنهادی و سازوکاری قرآنی و روایی برای برون‌رفت از موانع و مشکلات چیست؟

### معنای لغوی تقوا

تقوی اسم مصدر از ریشه «وقی» در لغت به معنای پرهیز، حفاظت و مراقبت شدید و فوق العاده است. (لسان العرب، ج ۱۵، ص ۴۰۲ و المصباح، ص ۶۶۹) تقوی در اصطلاح صفتی است که انسان را از گناه و نافرمانی خداوند متعال، باز می‌دارد و بر طاعت و بندگی او برمی‌انگیزد. وقی ریشه تک معنایی دارد که دلالت می‌کند بر دفع کردن چیزی از چیز دیگری به وسیله عاملی دیگر و وقایه یعنی محافظت کردن و مصون داشتن هر چیز از عواملی که آزار و زیان بدان رسانند. معجم مقاییس اللغة، ج ۶ ذیل ماده «وقی» و المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم و مفردات راغب، «ماده وقی»

### معنای اصطلاحی تقوا

تقوی در ادبیات معارف اسلامی به معنای حفظ خویشتن از مطلق محظورات است؛ اعم از محرّمات و مکروهات. (دائرة المعارف قرآن کریم، ج ۸، ص ۴۴۶) برخی ترک بعضی از مباحات را نیز در تحقق این معنا لازم دانسته‌اند، چنان که پیامبر اکرم صلوات الله علیه، وجه نام‌گذاری پرهیزگار به متقی را، انجام ندادن برخی از مباحات به انگیزه پرهیز از حرام‌ها دانسته است. (مجمع البیان، ج ۱، ص ۸۳ و مستدرک الوسائل: ج ۱۱، ص ۲۶۷) بر این اساس، عارفان افزون بر دوری از محرّمات، اجتناب از لذت‌های حلال دنیوی را در مراتبی از تقوی لازم شمرده‌اند (المحیط الاعظم، ج ۱، ص ۲۷۸ و التقوی فی القرآن، ص ۲۸).

### ۱. موانع بازدارنده از تقوا در آیات و روایات

تقوا از نظر فردی و اجتماعی اهمیت بسیار زیادی دارد. عوامل موثر فردی و اجتماعی در ایجاد تقوا باید از منظر قرآن و روایات بررسی شود تا زمینه ایجاد تقوا در فرد و اجتماع فراهم شود. از عوامل موثر در رفع موانع تقوا و همچنین تقویت آن از منظر اجتماعی می‌توان به دوری از اختلاف و تفرقه و نفاق، ظلم نکردن و احترام به حقوق اجتماعی دیگران، هم‌نشینی و دوستی با

صالحین، دوری از محافل گناه و... اشاره نمود. به عنوان نمونه اختلافاتی که پس از رحلت پیامبر اسلام در میان مسلمانان رخ داد. مانند نامه‌ای که پیامبر(ص) در آخر عمرشان مرقوم کردند و خلیفه دوم مخالف آن بود که موجب اختلاف در جمع حاضر شد. الرَّزِيَّةُ كُلُّ الرَّزِيَّةِ مَا حَالَ بَيْنَنَا وَبَيْنَ كِتَابِ رَسُولِ اللَّهِ، مصیبت بزرگ این بود که میان مسلمانان و آن نامه جدایی افتاد(بخاری، ۱۴۰۷ق، ج ۱، ص ۴).

در ادامه، موانع بازدارنده از تقوا، شرح داده می‌شود.

#### ۱-۱. خلف وعده و نداشتن وفای به عهد و پیمان

خداوند در چند جای قرآن کریم وفای به عهد را واجب و بر آن تاکید کرده و می‌فرماید: وَ أَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا (اسراء: ۴۳). در بسیاری از موارد و در طول تاریخ از زمان پیامبر مکرم اسلام تا عصر کنونی، بر مسئله وفاداری به عهد و پیمان تأکید شده است. درباره اهل صدق و تقوا می‌فرماید: وَالْمُؤْفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا (بقره: ۱۷۷).

عهد بر سه قسم است: نخست، عهدی که خدا با بندگانش فرموده، دوم، عهدی که مردم با خدا می‌کنند، قسم سوم که موضوع تحقیق حاضر نیز است؛ پیمان‌هایی است که مردم با یکدیگر می‌بندند. در آیات و احادیث بسیاری وجوب وفای به عهد و نشکستن حرمت آن مورد تأیید قرار گرفته است. از رسول اکرم(ص) روایت است: مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَفِ إِذَا وَعَدَ (کلینی، ۱۳۸۸، ج ۲، ص ۳۴۶). پیامبر اکرم(ص) می‌فرماید: «مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَلْيَفِ إِذَا وَعَدَ؛ کسی که به خدا و روز جزا ایمان آورده وقتی وعده‌ای می‌دهد باید وفا کند(کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۶۶۳). بنابراین وفای به عهد از لوازم ایمان به خدا و روز جزا بوده و پیمان شکنی با دیگران از موانع بازدارنده از تقوا در امور اجتماعی محسوب می‌شود.

#### ۱-۲. اجتماع آمیخته به گناه: محافل جمعی توأم با گناه

تأثیر بسیار سوئی در روابط اجتماعی دارد که موجب اختلال در تقوای اجتماعی می‌گردد. استهزا و تمسخر دیگران در جمع، گناهی اجتماعی است که قرآن به آن اشاره کرده است(مطففین: ۲۹؛ حجرات: ۱۱). در جایی دیگر؛ افترا به دیگران(نور: ۵۱) را متذکر شده است. اختلال در تقوای اجتماعی خطراتی به مراتب بیشتر از تقوای فردی دارد چرا که آن عمل، ممکن است فراگیر شود و ضمن اینکه رفتار هر فرد در اجتماع متأثر از رفتار دیگران است. به عبارت دیگر فردی که مقید به رعایت تقوای الهی نباشد، جمعی از اطرافیانش را به مخاطره می‌اندازد. از امام صادق(ع) فرمود: لَا يَنْبَغِي لِلْمُؤْمِنِ أَنْ يَجْلِسَ مَجْلِسًا يَعْصِي اللَّهُ فِيهِ، وَ لَا يَقْدِرُ عَلَى تَغْيِيرِهِ؛ برای مؤمن جایز نیست در مجلسی بنشیند که در آن معصیت خدا می‌شود و او قدرت بر(نهی از منکر کردن) تغییر دادن آن را

ندارد (کلینی، ۱۳۹۴، ج ۲، ص ۳۷۴). حضور در محافل گناه، به خودی خود، گناه محسوب شده و مانعی بازدارنده برای تقوا می‌باشد؛ اگرچه فرد صرفاً نظاره‌گر بوده باشد. گناهان دسته جمعی موانع بسیاری برای تقوای اجتماعی ایجاد می‌کند رفع آن بسیار دشوار است. ارتکاب گناه برخاسته از غرور و نخوت مانع بزرگی برای تقوا به حساب می‌آید: وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ (۲۰۶: بقره). بر اساس این آیه می‌توان این‌گونه برداشت نمود که گناه از مهم‌ترین موانع بازدارنده از تقوا محسوب می‌شود.

### ۳-۱. اختلاف افکنی

قرآن به موضوع اختلاف افکنی پرداخته است (بقره: ۲۱۳؛ آل عمران: ۱۹؛ شوری: ۱۴؛ زخرف: ۶۵؛ حجرات: ۹). برخی از افراد در جامعه میان مردم اختلاف‌افکنی می‌کنند، اینان وحدت اجتماعی و انسجام آن را از میان می‌برند و امکان برآوردن نیازها از سوی افراد را در عملکرد اجتماعی مختل یا مخدوش می‌سازند. شکی نیست که انسان‌ها با وحدت و اتحاد است که می‌توانند نظام اجتماعی استواری را شکل دهند که در این نظام هر کسی بر اساس عدالت می‌تواند حقوق خویش را استیفا کرده و به آرامش و آسایش برسد. اما اختلاف‌افکنان با رویه تفرقه‌افکنی خویش این فرصت را از جامعه و اجتماع سلب می‌کنند. امام علی (ع) می‌فرماید: لو سکت الجاهل ما اختلف الناس؛ اگر جاهل سکوت می‌کرد، مردم اختلاف نمی‌کردند (سبب بسیاری از اختلافات، سخن‌های ناآگاهانه است). (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۵، ص ۸۱)

### ۴-۱. شهوت و بی‌عفتی

قرآن در سوره یوسف به موضوع شهوت پرداخته است (یوسف: ۳۲). کسانی که گرفتار شهوت و غضب هستند، در رفتار اجتماعی ستمگر بوده و به حق و حقوق دیگران توجهی ندارند. اینان رفتاری را در اجتماع پیش می‌گیرند که موجب هنجارشکنی شده و ارزش‌ها به ضد ارزش تبدیل می‌شود. این‌گونه افراد با بی‌عفتی و بی‌حیایی هنجارهای اخلاقی و اجتماعی را زیر پا می‌گذارند و محافلی را برای بروز و ظهور گرایش‌های شهوانی خویش راه‌اندازی می‌کنند. اینان کسانی هستند که نه تنها به خود ظلم می‌کنند بلکه اجتماع را به سمت و سویی هدایت می‌کنند که تنش‌ها در آن افزایش می‌یابد و امنیت و آرامش روانی از جامعه سلب می‌شود. مسئله «شهوت و بی‌عفتی» در منابع روایی اسلام، مورد توجه فراوان قرار گرفته و بیشتر آنها بیانگر هشدار درباره پیامدهای خطرناک آن است. شهوات دام‌های شیطان است، برای در امان ماندن از آفات بایستی خویشتن را از تسلیم شدن در برابر شهوات باز داشت، ترک شهوت‌ها، برترین عبادت و زیباترین عادت است و کسی که به هنگام غضب و تمایل و ترس و شهوت، مالک نفس خویش باشد،

خداوند جسد او را بر آتش دوزخ حرام می‌کند. امام علی (ع) می‌فرماید: **الشَّهَوَاتُ سُؤْمٌ قَاتِلَاتٌ؛** شهوت‌ها، زهرهای کشنده است که شخصیت و ایمان و مروّت و اعتبار انسان را نابود می‌سازد. (آمدی، ۱۴۱۰ق، ج ۲، ص ۵۰)

#### ۱-۵. تضييع حقوق ديگران

کسانی که در امور و وظایف اجتماعی خود قصور دارند، از مصادیق کسانی هستند که ظلم اجتماعی روا می‌دارند (هود: ۸۴؛ شعراء: ۱۸۳). با توجه به اینکه ضایع کردن حق دیگران، حق الناس بوده و علاوه بر اینکه گناهی بزرگ محسوب می‌شود، و صرفاً با رضایت فرد یا افرادی که حق ایشان ضایع شده، قابل رفع و بخشش است؛ بنابراین از مهم‌ترین موانع تقوا در مسائل اجتماعی، تضييع حقوق ديگران است. هر کسی در جامعه حق و حقوقی دارد که باید از سوی دیگران مراعات و ادا شود. از جمله حقوقی که نباید آن را تضييع کرد حقوق اجتماعی هر یک از افراد جامعه است. امام صادق (ع) می‌فرماید: **مَا عُبدَ اللَّهُ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنْ إِدَاءِ حَقِّ الْمُؤْمِنِ؛** هیچ عبادتی بالاتر از ادای حق مؤمن نیست. (کافی، ج ۲، ص ۱۷) این روایت حکایت از اهمیت فوق العاده رعایت حقوق دیگران در صحنه زندگی اجتماعی مسلمانان دارد.

#### ۱-۶. حرمت شکنی

هر جامعه‌ای به خصوص جوامع دینی، دارای ارزش‌ها و مقدّساتی است که نزد مردم آن جامعه دارای حرمت است و شکستن قداست این ارزش‌ها «حرمت شکنی» محسوب می‌گردد. پدیده‌هایی مانند «ارتداد» و بازگشت به آیین گذشته، استهزای پیامبر (ص) و دین اسلام، از جمله مواردی است که از آن‌ها با عنوان «حرمت شکنی» یاد می‌شود. در قرآن نیز نادیده گرفتن حریم خصوصی و جان و مال و عرض افراد به عنوان ظلم و ستم مطرح شده است (حجرات: ۱۱؛ حج: ۳۹). در هر جامعه‌ای اموری به عنوان حرمت‌ها و حریم‌ها مطرح است که باید رعایت شود. حفظ حریم در واقع همان حفظ تقوا بوده و شکستن حریم هم مانع بازدارنده از تقوا محسوب می‌شود. نادیده گرفتن حرمت‌ها و ارزش‌های دینی سبب ایجاد موانع متعددی برای تقوا در فرد و اجتماع می‌شود و در مقابل احترام به شعائر و محافل مذهبی که به نوعی حریم الهی نیز محسوب می‌شوند، سبب رفع موانع تقوا و تقویت تقوای اجتماعی می‌شود.

#### ۱-۷. کذب در گفتار

قرآن برای دروغگویان عذابی بزرگ وعده داده است؛ **وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ** (بقره: ۱۰). نداشتن صداقت در گفتار نسبت به دیگران در امور مختلف، خود یکی از مصادیق بازدارنده از تقوا بوده و موجب ناهنجاری اجتماعی است. به عبارت دیگر نداشتن صداقت

در گفتار و عمل نسبت به دیگران، علاوه بر اینکه روابط اجتماعی را مختل می‌کند، نقش مهمی در بازدارندگی از تقوای اجتماعی خواهد داشت. فردی که به دیگران وعده‌های می‌دهد و به وعده‌اش عمل نمی‌کند، این امر نشانگر کذب در گفتار و عمل او بوده و در حقیقت نشأت گرفته از نبود تقوای الهی است.

#### ۸-۱. طغیان

بر اساس تعالیم قرآن کریم، دلیل طغیان انسان، بی‌نیاز دانستن خود است؛ إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُفٍ، أَنْ رَأَاهُ اسْتَغْنَى (علق: ۶-۷). انسان وقتی به وسایل و وسایط مختلفی که خداوند در اختیارش گذاشته متذکر و متوجه به تکالیفی الهی شد، در صورتی که آن تکالیف موافق طبع او نباشد یا برای خدا از میل نفسانی خود چشم پوشیده و آن تکالیف را انجام می‌دهد، و یا به حدود الهی و تکالیف او مقید نبوده و مطابق میل نفسانی خود دچار لغزش و گناه می‌شود. گناه، مانعی برای تقوا بوده و ممکن است در ابتدا از این نافرمانی متوجه مانعی که برای تقوا در خود ایجاد نموده است، نشود و صرفاً خود در دل احساس شرمساری و ناراحتی نماید، اما در دفعات دیگر که نافرمانی تکرار شود، علاوه بر اینکه حس شرمساری در او ضعیفتر می‌شود، بی‌اعتنایی به امر پروردگار در نظرش آسان‌تر شده و مانعی بزرگ برای بازدارندگی از تقوایش پدیدار خواهد شد. همچنان‌که اثر تذکرات انبیاء (ع) هم در دلش کمتر می‌شود، و در هر تکراری علاوه بر اینکه امکان معصیت در نظرش قوی‌تر و اثر تذکرات ضعیفتر خواهد شد؛ موانع بازدارنده از تقوا قوت بیشتری خواهد داشت. تا آنجا که بطور کلی تذکرات در دلش بی‌اثر و وجود و عدمش یکسان می‌شود، در آیه مورد بحث که فرمود: فلما نسا ما ذکروا به... مقصود از نسیان همین بی‌اثر شدن تذکرات و ایجاد مانع برای تقوا است (طبرسی، ۱۴۱۲ق، ج ۴، ص ۳۸۳).

#### ۹-۱. نسیان

نسیان به معنای بی‌اعتنایی به خدا و اوامر الهی (طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۷، ص ۸۹)، و همچنین به معنای ضد ذکر و حفظ است (ابن منظور، ۱۴۲۶ق، ج ۱۵، ص ۳۲). گاهی انسان به واسطه زیانی که به او رسیده، خدا را می‌خواند؛ و زمانیکه خداوند نعمتی از خود به او عطا می‌کند، آن‌چه را به خاطر آن، قبلاً خدا را می‌خواند، از یاد می‌برد. به تعبیری دیگر؛ در زمان مشکلات و ضرر و زیان، به یاد خدا بودن و پس از رفع مشکل از او دور شدن، نه تنها تقوا محسوب نمی‌شود بلکه مانعی بازدارنده برای تقوا خواهد بود. و این نوع ارتباط با خدا برای انسان نفعی نخواهد داشت، چراکه نزد خداوند تنها متقین ارزشمند هستند و هرکس تقوای بیشتری داشته باشد نزد خدا عزیزتر است (حجرات: ۱۳).

## ۲. راهکارهای برون‌رفت از موانع تقوا در آیات و روایات

### ۱-۲. بینش و آگاهی

داشتن بینش و آگاهی لازمه‌اش غفلت زدایی، تبیین حق از باطل، خردورزی و تفکر است. قرآن راه درست و رسیدن به تکامل را ارائه کرده است و با پشتوانه ادله روشن و متقن راهی صحیح را معرفی و تضمین کرده است. خداوند در این رابطه می‌فرماید وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَىٰ وَالْفُرْقَانِ (بقره: ۱۸۵). در جای دیگر می‌فرماید: قَدْ جَاءَكُمْ بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ (نساء: ۱۷۴).

انسان با خردورزی و عقل حقایق را یافته و بر هواهای نفسانی چیره می‌شود. اگر آگاهی نباشد جهل در او ریشه دوانده، هواهای نفسانی بر عقل حاکم گشته و مانع از توجه او به حقایق و معارف الهی خواهد شد. انظُرْ كَيْفَ نَصَرَفُ الْآيَاتِ لِعَالِمٍ يَفْقَهُونَ (انعام: ۶۵).

### ۲-۲. پرسش از اهل ذکر

در سوره نحل آمده: وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ فَسَأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ (نحل: ۴۳). ابن جریر، همچنین از جابر بن یزید جعفی نقل کرده که چون این آیه نازل شد، امام علی (ع) می‌فرمایند: نَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ مَا أَهْلُ ذِكْرِ هَسْتِم. (طبری، ۱۴۱۲ق، ج ۱۷، ص ۸). همچنین از امام علی (ع) نقل کرده‌اند در پاسخ کسی که در باره این آیه پرسید، فرمود: وَاللَّهِ! إِنَّا لَنَحْنُ أَهْلُ الذِّكْرِ، نَحْنُ أَهْلُ الْعِلْمِ، وَ نَحْنُ مَعْدِنُ التَّوِيلِ وَ التَّنْزِيلِ، وَ لَقَدْ سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ (ص) يَقُولُ: أَنَا مَدِينَةُ الْعِلْمِ وَ عَلِيٌّ بَابُهَا؛ فَمَنْ أَرَادَ الْعِلْمَ فَلْيَأْتِهِ مِنْ بَابِهِ (حسکانی، ۱۴۱۱ق، ج ۱، ص ۲۳۴). پرسش از اهل خبره نیز برای جاهل، به حکم عقل بوده و رجوع جاهل به عالم در حقیقت، ارشاد به حکم عقلی است. (طیب، ۱۳۹۳ق، ج ۸، ص ۱۲۸). چنین به نظر می‌رسد که پرسش از اهل ذکر در واقع همان رجوع به آیات قرآن و پیشوایان دینی (منابع روایی) بوده که تنها راه رهایی از موانع تقوا است.

### ۳-۲. بصیرت و معرفت

منشأ جهل و نادانی، نداشتن بصیرت و معرفت است. وَ مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دَعَاءً وَ نِدَاءً صُمُّ بِكُمْ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ (بقره: ۱۷۱). مضمون این آیه راه درمان جهالت، کسب بینش و بصیرت است. (مصطفوی، ۱۳۷۱، ج ۲، ص ۳۲۵). بینش و بصیرت در امور، امری ضروری است که سبب رفع موانع تقوا خواهد شد. امام صادق (ع) می‌فرماید: الْعَامِلُ عَلَىٰ غَيْرِ بَصِيرَةٍ كَالسَّائِرِ عَلَىٰ غَيْرِ الطَّرِيقِ وَ لَا يَزِيدُهُ سُرْعَةَ السَّيْرِ مِنَ الطَّرِيقِ إِلَّا بُعْدًا؛ کسی که بدون «بصیرت» عمل می‌کند، همچون زنده‌ای است که در بی‌راهه می‌رود؛ پس هر چه سریع‌تر رود، از مقصد دورتر می‌شود. داشتن بصیرت و معرفت از مهم‌ترین ویژگی‌های یک مؤمن است و دستیابی



به آن، نیازمند تلاش و مجاهدت است. با پیروی از دستورات ائمه اطهار(ع) و عمل به راهکارهای ارائه شده، می‌توانیم به بصیرت حقیقی دست یافته و مسیر سعادت و رستگاری را در پیش بگیریم.

#### ۲-۴. همت

تنبلی و نداشتن همت برای انجام امور، از دیگر موانع بازدارنده از تقوا به شمار می‌آید که عبور از این مانع صرفاً با تلاش و همت والا محقق خواهد شد. فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ (۱۵۹): آل‌عمران). امام باقر(ع) می‌فرماید: إِيَّاكَ وَالضُّجْرَ وَالْكَسَلَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ حَظَّ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ۶۶: ۳۹۵). بپرهیز از افسردگی و کسالت؛ همانا آن دو تو را از به دست آوردن حظ دنیا و آخرت باز می‌دارند.

#### ۲-۵. سعه صدر در امور

از نعمت‌های بزرگ خداوند سعه صدر است که به پیامبر(ص) اعطا فرموده است. الم نَشْرَحُ لَكَ صَدْرَكَ (انشرح: ۱). از راه‌کارهای برون‌رفت از موانع تقوا، که در روایات بر آن تأکید شده داشتن حوصله و اجتناب از تنبلی و بی‌حوصلگی در امور است. بی‌حوصلگی و بی‌صبری موانع بازدارنده از تقوا محسوب می‌شود، چراکه انسان را از انجام عبادات و اوامر الهی باز می‌دارد. این امر سبب می‌شود تا انسان در انجام امور فردی و اجتماعی خود متناسب با موقعیتش عمل نکرده و در انجام تمامی امورش نیز مداومت لازم را نداشته باشد. در نتیجه هیچ کاری را به انتها نرسانده و آموزش توأم با نقصان و شکست همراه خواهد بود (آشتیانی، ۱۳۶۲، ص ۲۱۲).

#### ۲-۶. ایمان

ایمان یعنی اعتقاد قلبی به خدا و پیامبراکرم(ص)، و اقرار با زبان، قلب و عمل به فرامین الهی به واسطه پذیرش اعتقادات، بدون شک و شبهه و با اعتماد و اطمینان خاطر که در آن پریشانی و وسوسه‌ها تأثیری نداشته باشد. چنان‌که امام علی(ع) در خطبه ۲۲۷ نهج البلاغه می‌فرماید: الْإِيمَانُ مَعْرِفَةٌ بِالْقَلْبِ، وَإِقْرَارٌ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ. اینگونه ایمان، برطرف کننده موانع تقوا خواهد بود. در قرآن آمده: هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا (فتح: ۴). در این آیه کاملاً مشهود است که از مهم‌ترین عوامل ایجاد آرامش، ایمان است. آرامش انسان، نشانگر وجود ایمان بوده و حضور ایمان، کفر را که از مهمترین موانع بازدارنده از تقوا است، رفع می‌کند. چرا که نبودن ایمان مساوی است با کفر، و کافر آرامش قلبی و روحی و روانی ندارد. از امام صادق(ع) درباره آیه الَّذِينَ آمَنُوا وَلَمْ يَلْبَسُوا إِيمَانَهُمْ بَظُلْمٍ أُولَئِكَ لَهُمْ الْأَمْنُ وَهُمْ مُهْتَدُونَ (انعام: ۸۲). ضمن حدیثی آمده است: (فی

حدیث فی قوله تعالی «بَطْلَمِ». قال: هو الشرك (بحرانی، ۱۴۱۵ق، ج ۱، ص ۵۳۷؛ حویزی، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۷۴۰).

## ۲-۷. توجه به حضور خدا

عامل دیگری که موانع بازدارنده از تقوا را از میان بر می‌دارد، توجه به حضور خداوند است. بعضی از آیات به این راهکار تصریح دارد. خداوند هنگامی که حضرت نوح(ع) تحت شدیدترین فشارها از سوی قومش مأمور به ساختن کشتی شد به او فرمود: وَأَصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا وَوَحَيْنًا (هود:۳۷) و کشتی را زیر نظر ما و به(هدایت) وحی ما (راجع به وسائل ساخت و کم و کیف، و زمان و مکان آن) بساز. «در برابر ما اقدام به ساختن کشتی کن! جمله(بِأَعْيُنِنَا)» در برابر دیدگاه علم ما «چنان قوت قلبی به نوح(ع) بخشید که فشار استهزای دشمنان، کمترین خللی در اراده نیرومند او ایجاد نکرد.

## ۲-۸. تسلیم(فرمان برداری)

امام علی(ع) در تعریف اسلام می‌فرماید: لَأَتَسَبَّنَ الْإِسْلَامَ نَسْبَةً لَمْ يَنْسَبْهُ أَحَدٌ قَبْلِي وَلَا يَنْسَبُهُ أَحَدٌ بَعْدِي إِلَّا بِمَثَلِ ذَلِكَ إِنَّ الْإِسْلَامَ هُوَ التَّسْلِيمُ وَالتَّسْلِيمُ هُوَ الْيَقِينُ وَالْيَقِينُ هُوَ التَّصَدِيقُ وَالتَّصَدِيقُ هُوَ الْإِقْرَارُ وَالْإِقْرَارُ هُوَ الْعَمَلُ وَالْعَمَلُ هُوَ الْإِدَاءُ إِنَّ الْمُؤْمِنَ لَمْ يَأْخُذْ دِينَهُ عَنْ رَأْيِهِ وَ لَكِنْ آتَاهُ مِنْ رَبِّهِ فَأَخَذَ بِهِ الْحَدِيثَ (قمی، ۱۴۰۴ق، ۱: ۹۹؛ صدوق، ۱۳۸۹، ۱: ۱۸۵؛ عاملی، ۱۳۸۶، ج ۱، ص ۱۸۳). ابراهیم(ع) در امتحان الهی، تسلیم امر خدا شد و خدا شیطان و موانع تقوایش را کنار زد.

## ۲-۹. صبر و شکیبایی

صبر نقش بسیار مهمی در مرتفع نمودن موانع بازدارنده از تقوا دارد. درباره نقش صبر در برطرف موانع تقوا میتوان به سه نمونه از آیات کریمه اشاره نمود. وَإِنْ تَصَبَّرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ (آل عمران:۱۸۶). آیه خطاب به یاران پیامبر(ص) است که در مقابل دشمن، سفارش به صبر و تقوا نموده است. که در تنها در این صورت است که از جانب دشمن به آنها ضرری وارد نمی‌شود. یعنی: افراد با تقوا و صبور از حيله و شر در امان خواهند بود. تقوا یکی از نشانه‌های مهم صبر است، و البته اگر صبر نباشد موانع بزرگی برای تقوا پدید خواهد آمد. با شناخت موانع تقوا انسان در مقابل حرام‌های الهی مقاومت می‌کند و کار حرام و حرف حرام نمی‌زند(حرانی، ۱۳۶۳، ج ۲، ص ۸۹). پیامبر(ص) می‌فرماید: عَلَامَةُ الصَّابِرِ فِي ثَلَاثٍ: أَوْلَاهَا أَنْ لَا يَكْسِلُ، وَالثَّانِيَةُ أَنْ لَا يَضْجَرُ، وَالثَّلَاثَةُ أَنْ لَا يَشْكُو مِنْ رَبِّهِ تَعَالَى؛ لِأَنَّهَا إِذَا كَسِلَ فَقَدْ ضَيَّعَ الْحَقَّ، وَإِذَا ضَجَرَ لَمْ يُؤَدِّ الشُّكْرَ، وَإِذَا شَكَا مِنْ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ فَقَدْ عَصَاهُ نَشَانَهُ شَكِيَا سَهٍ شَيْءٌ: أَوَّلُ أَنْ كَيْفَ تَنْبَلِي نَمِي كُنْد، دَوْمُ أَنْ كَيْفَ ائْفَسْرَدَه و دلتنگ نمی‌شود، و سوم آن که از پروردگار خود شکوه نمی‌کند؛ زیرا اگر تنبل باشد، حق را فرو

می‌گزارد و اگر افسرده و دلتنگ باشد، شکر نمی‌گزارد و اگر از پروردگارش شکایت کند، معصیت او را کرده است (صدوق، ۱۳۸۶ق، ج ۲، ص ۴۹۸). همچنین ایشان در حدیثی دیگر نیز می‌فرماید: الصَّبْرُ أَرْبَعُ شُعَبٍ: الشُّوقُ، وَ الشَّقَقَةُ، وَ الزَّهَادَةُ، وَ التَّرَقُّبُ، فَمَنْ اشْتَقَّ إِلَى الْجَنَّةِ سَلَا عَنْ الشَّهَوَاتِ، وَ مَنْ أَشْفَقَ عَنِ النَّارِ رَجَعَ عَنِ الْمُحَرَّمَاتِ، وَ مَنْ زَهَدَ فِي الدُّنْيَا تَهَوَّنَ بِالْمُصِيبَاتِ، وَ مَنْ ارْتَقَبَ الْمَوْتَ سَارَعَ فِي الْخَيْرَاتِ؛ صبر چهار شعبه دارد: شوق و ترس و زهد و انتظار؛ هر که شوق بهشت داشته باشد از شهوات را کنار می‌زند، و هر که از آتش بترسد خویشتن را از حرام نگه دارد و هر که در دنیا زهد ورزد گرفتاری‌ها را به چیزی نگیرد، و هر که منتظر مرگ باشد در کارهای خیر می‌کوشد (متقی، ۱۴۱۳ق، ج ۱، ص ۲۸۵).

۱۰-۲. ذکر: منظور از ذکر، یاد خدا بودن است، و یاد خدا موجب آرامش انسان است **أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ** (رعد: ۲۸). در بسیاری از امور، موانعی هست که موجب نا آرامی‌ها و نگرانی‌ها و اضطراب می‌شود، همه این‌ها تنها با یاد خدا برطرف می‌شود. لازمه به وجود آمدن تقوا در انسان، یاد خدا است و نا آرامی‌ها و مشکلات، در واقع همان موانع بازدارنده از تقوا برای انسان محسوب می‌شود که یکی از ابزار رفع این موانع یاد کردن پیوسته و مکرر خدا است. انسان در تمامی ابعاد در هر موضوعی یاد خدا باشد، برکاتی برایش خواهد داشت که هر کدام در جای خود به نوعی بر طرف کننده مانعی از موانع بازدارنده از تقوا خواهد بود. به عنوان نمونه: یاد قادر بودن خدا، سبب توکل بر او خواهد بود. یاد بخشش و لطف الهی، مایه محبت و امید است. یاد عدالت خدا، عامل تقوا و پرهیزگاری است. ذکر نیز بر دو گونه است: ذکر خدای عز و جل هنگام مصیبت و بهتر از آن ذکر و یاد خداست در آنچه بر تو حرام کرده، تا مانع تو شود (کلینی، ۱۳۶۷، ج ۳: ۱۴۴).

## ۱۱-۲. توکل

هر کس بر خدا توکل کند خدا برایش کافی است؛ **وَ مَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ** (طلاق: ۳). وکل از ریشه (وکل) و به معنی وکیل گرفتن و واگذاری کارها به وکیل میباشد (خمینی، ۱۳۷۷، ص ۱۹۹). برخی در تعریف توکل می‌گویند: **التَّوَكَّلُ كُلُّهُ الْأَمْرُ كُلُّهُ إِلَى مَالِكِهِ وَالتَّعْوِيلُ عَلَى وَكَالَتِهِ** (انصاری، ۱۳۹۱، ج ۲، ص ۱۷۱). بعضی دیگر گفته‌اند: **التَّوَكَّلُ عَلَى اللَّهِ، انْقِطَاعُ الْعَبْدِ إِلَيْهِ فِي جَمِيعِ مَا يَأْمَلُهُ مِنَ الْمَخْلُوقِينَ** (طریحی، ۱۹۵۳م: ۴۸۵). امام علی (ع) می‌فرماید: **مَنْ تَوَكَّلَ عَلَى اللَّهِ ذَلَّتْ لَهُ الصَّعَابُ وَتَسَهَّلَتْ عَلَيْهِ الْأَسْبَابُ**؛ هر کس به خدا توکل کند، دشواریها برای او آسان شده و اسباب برایش فراهم می‌شود (آمدی، ۱۳۶۶، ج ۵: ۴۲۵). براساس این روایت؛ با توکل به خدا، امور آسان شده و زمینه رفع موانع فراهم می‌شود که نتیجه‌اش ایجاد تقوا خواهد بود. توکل با همت و تلاش همراه بوده و میسر خواهد بود و به این معنا نیست که انسان کارهایش را معطل نموده و

صرفاً در انتظار لطف و کرم الهی باشد! چنان‌که در حدیثی از پیامبر(ص) این مسئله را متذکر شده‌اند. رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ قَوْمًا لَا يَزْرَعُونَ قَالَ: مَا أَنْتُمْ؟ قَالُوا: نَحْنُ الْمُتَوَكِّلُونَ، قَالَ: لَا، بَلْ أَنْتُمْ الْمُتَكَلِّفُونَ؛ رسول خدا گروهی را که کشت و کار نمی‌کردند، دیدند و فرمودند: شما چه کاره هستید؟ عرض کردند ما توکل کنندگانیم. فرمودند: نه، شما سر بارید(نوری، ۱۴۰۸ق، ۱: ۲۱۷). با توکل به خدا می‌توان در مسیر الهی بود و لازمه مرتفع نمودن موانع بازدارنده از تقوا با توکل به خدا میسر خواهد بود. چراکه فردی که آموزش را به خدا می‌سپارد می‌تواند از موانع عبور کند.

## ۲-۱۲. توسل

برخی از آیات قرآن به مسئله توسل و مشروعیت آن اشاره دارد که افزون بر دستور کلی قرآن که میفرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ (مائده: ۳۵) میتوان به گزارش خبری قرآن از توسل آدم به کلمات اشاره کرد. آدم به وسیله توسل، توانست مانع میان خود و خدا را رفع کند. خداوند در قرآن در این باره میفرماید: فَتَلَقَىٰ آدَمَ مِنْ رَبِّهِ كَلِمَاتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ (بقره: ۳۷). در این آیه کلمات حتی اگر به معنای کلمات واژگانی باشد که در حقیقت بیانگر شیوه توبه است. بیانگر این نکته است که توبه با کلمات و توسل به واژگانی خاص، صورت گرفته است. مضافاً اینکه گویای مشروعیت توسل به واژگان است و بر وقوع و نیز تاثیر آن دلالت دارد. سیوطی در کتاب تفسیری روایی خود روایات بسیاری را نقل کرده است که مراد از کلمات، پیامبر و اهل بیت(ع) اوست(سیوطی، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۴۷). در منابع شیعی از قبیل تفسیر نور الثقلین این روایات و روایات دیگری از اهل بیت(ع) نقل شده است که مراد از کلمات را وجود نوری پیامبر و اهل بیت(ع) دانسته شده است(حویزی، ۱۳۸۳ق، ج ۱، ص ۶۷).

## ۲-۱۳. امید داشتن به رحمت خداوند

تقوا بدون امید معنا ندارد. وَمَنْ يَنْظُرْ مِنْ رَحْمَةِ رَبِّهِ إِلَّا الضَّالُّونَ (حجر: ۶۵). از عواملی که سبب رهایی انسان از وسوسه‌های شیطان بوده و آرامش را در انسان به وجود می‌آورد؛ اعتماد و اطمینان داشتن به خدا در حالت خوف و رجا، است. همیشه باید به رحمت و عفو و فضل و هدایت الهی امید داشت. وجود امید در انسان، به او نشاط و شادابی معنوی میدهد. انسان به واسطه امید، در همه امورش، علاوه بر اینکه به شکست فکر نمیکند، در انتظار نتیجهای مطلوب است. امید مسیری روشن برای مومن است که از طریق آن هر مانعی که بر سر راهش باشد کنار خواهد زد. در تمامی امور و برخورد با موانع و مشکلات باید به رحمت الهی امیدوار بود.

## ۲-۱۴. عبادت

پیامبر (ص) می‌فرماید: کفی بالعبادة شغلا؛ عبادت به عنوان شغل کافی است (حرانی، ۱۳۶۳، ص ۳۵). انجام عبادات حکمت‌هایی دارد که برخی از این حکمتها؛ دوری از گناه، و تقویت تقوای فردی و اجتماعی، رفع موانع بازدارنده از تقوا و... است. امام رضا (ع) در توضیح علت عبادت، می‌فرماید: لئلا يكونوا ناسين لذكرك، و لا تاركين لادبه، و لا لاهين عن امره و نهيه، اذا كان فيه صلاحهم و قوامهم. فلو تركوا بغير تعبّد لطلّ عليهم الامد فقسّت قلوبهم؛ تا این که مردم یاد خدا را فراموش نکنند و آداب او را وا نگذارند و از اوامر و نواهی او غافل نشوند؛ زیرا درستی و قوام آنان در دین است. اگر بدون تعبّد به حال خود رها می‌شدند پس از مدتی دل‌هایشان سخت می‌شد. وَ أَقِمِ الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ تَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ (عنکبوت: ۴۵). در این آیه، رابطه نزدیکی میان «عبادت» و تقوا و پرهیز از گناه و پرورش فضائل اخلاقی دیده می‌شود. البته بر اساس آموزه‌های قرآنی بهترین عبادت، عبادتی است که به صورت جمعی انجام شود. مانند نماز جماعت و حج. چنان‌که تقوای اجتماعی هم در عبادات جمعی معنا دارد. تقوای اجتماعی یعنی حضور مردم در صحنه‌های عبادت جمعی؛ خداوند ۲۷ به ابراهیم (ع) می‌فرماید: و اذن فی الناس بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا (حج: ۲۷). در جای دیگر می‌فرماید: يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ (بقره: ۱۸۳). و شرط پذیرش روزه را در تقوا دانسته می‌فرماید: إِنَّمَا يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ (مانده: ۲۷) یعنی روزه از فرد بی‌تقوا پذیرفته نیست.

## ۲-۱۵. زکات

قرآن، چهار عامل آرامش بخش را مطرح می‌کند که یکی از آنها پرداخت زکات است. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ (بقره: ۲۷). از نظر رسول اکرم (ص)، زکات عامل از بین بردن گناهان محسوب می‌شود؛ الزكاة تُذهبُ الذُّنُوبَ (مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۷۹، ص ۲۳۴). پرداخت نکردن زکات مانعی بزرگ برای تقوای اجتماعی محسوب می‌شود. چرا که مقدمه زکات از مصادیق بارز صدقات است که به عنوان پشتوانه مالی برنامه‌های اجتماعی، در اصلاح ساختار جامعه و تطهیر زندگی، تزکیه نفوس و تألیف قلوب مردم، نقش به‌سزایی دارد. در اهمیت زکات همین بس که یکی از پایه‌های دین مبین اسلام شمرده شده و به عنوان درمان دردهای اقتصادی جامعه محسوب می‌شود؛ در جامعه اگر گروهی با مشکلات مالی روبه‌رو شوند، حرکت آن جامعه مختل می‌شود.

## ۲-۱۶. دعا

دعا و درخواست خاضعانه از درگاه الهی از بهترین نوع ارتباط با خالق یکتاست. دعا موجب آرامش و رقت قلب است و موانعی که میان انسان و خالق اوست در بسیاری موارد از طریق دعا قابل رفع است. در حقیقت دعا و نیایش بهترین وسیله ارتباطی مخلوق با خالق است که می‌تواند موانع بازدارنده از تقوا را مرتفع نماید.

**دعا هنگام آسایش:** پیامبر(ص) می‌فرماید: مَنْ سَرَّهُ أَنْ يَسْتَجِيبَ اللَّهُ لَهُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ وَالْكَرْبِ فَلْيُكْثِرِ الدُّعَاءَ فِي الرَّخَاءِ؛ هر کس دوست دارد خداوند هنگام سختی‌ها و گرفتاری‌ها دعای او را اجابت کند، در هنگام آسایش، دعا بسیار کند(کلینی، ۱۳۶۷، ج ۲، ص ۳۰۳).

**دعا هنگام رقت قلب:** پیامبر(ص) می‌فرماید: اغْتَنِمُوا الدُّعَاءَ عِنْدَ الرَّقَّةِ فَإِنَّهَا رَحْمَةٌ؛ دعا کردن را هنگام رقت قلب غنیمت شمرید که رقت قلب، رحمت است(مجلسی، ۱۴۰۳ق، ج ۹۳، ص ۳۴۷). بعضی مواقع دعا با تاخیر برآورده و یا اجابت نمی‌شود، اما باید دانست که این امر در ظاهر بوده و حداقل اثر دعا، همان رفع موانع تقوا می‌تواند باشد. البته برخی دعاها به دلیل انجام گناه و برخی نیز به دلیل اینکه حقی از دیگران بر عهده باشد اجابت نمی‌شود. در همین رابطه امیرالمومنین می‌فرماید: ان الله تبارک و تعالی اوحى الى المسيح عيسى بن مريم قل للملا من بنى اسرائيل: انى غير مستجيب لاحد منكم دعوة و لاحد من خلقى قبله مظلمة؛ خداوند به عیسی وحی کرد که به بنی‌اسرائیل بگو: دعای کسی را که حق‌الناس بر عهده‌اش باشد اجابت نمی‌کند(عاملی، ۱۳۸۶، ج ۴، ص ۱۱۷۵). از کلام امیرالمومنین می‌توان برداشت کرد که حق‌الناس یکی از موانع بازدارنده از تقوا است که موجب برآورده نشدن دعا شده است.

## ۲-۱۷. استغفار

در قرآن سفارش به طلب مغفرت و استغفار شده است؛ وَأَسْتَغْفِرُوا لِلَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَفُورٌ رَحِيمٌ(بقره: ۱۹۹). استغفار یکی از مهم‌ترین راهکارهای قرآنی برای برون‌رفت از موانع تقوا، به شمار می‌آید. استغفار به معنای درخواست پوشش و گذشت و آمرزش است. به این معنا که انسان از خدا می‌خواهد که او را ببخشد و در حقش گذشت نماید و او را به رحمت خود پوشش دهد و کسی که رحمت خدا شامل حالش شود، هیچ مانعی نمی‌تواند او را از خدا دور کند. واژه استغفار در اصطلاح قرآنی به معنای درخواست زبانی یا عملی آمرزش و پوشش گناه از خداوند به هدف مصونیت از آثار بدگناه و عذاب است(میبدی، ۱۳۷۱، ج ۲: ۴۶؛ ابن‌عاشور، ۹۲: ۴). استغفار با توبه این تفاوت را دارد که استغفار آمرزش خواهی از گناهان برای پیراستن روح است و توبه اقدام برای آراستن روح به صفات پسندیده‌های چون توحید می‌باشد(طباطبایی، ۱۴۱۷ق، ج ۱۰، ص ۴۱۰).

و یا استغفار درخواست آموزش از گناهان پیشین و توبه پشیمانی و بازگشت به خدا درباره گناهانی است که امکان دارد در مقام عمل انجام دهد (رازی، ج ۲، ص ۱۷).

## ۲-۱۸. توبه

از دیگر راهکارهای قرآن برای برون‌رفت از موانع تقوا، توبه است. اقرار به گناه در پیشگاه الهی به عنوان یک راهکار برای بیرون آمدن از موانع تقوا است. لا اله الا انت سبحانک انی کنت من الظالمین (انبیاء: ۸۷). یونس (ع) پس از گرفتاری در شکم ماهی که خداوند از آن به ظلمات تعبیر می‌کند با بیان توبه و اقرار به گناهان رهایی یافت. آدم پس از گرفتاری به دست ابلیس به درگاه خداوند توبه کرد و با بیان توبه از بازتاب و پیامدهای عملش در امان ماند. حفظ تقوای فردی علاوه بر اینکه موانع بازدارنده از تقوا را برای هر فرد از میان بر می‌دارد، می‌تواند به حفظ تقوای اجتماعی منجر شود. داستان یوسف (ع) نمونه بارز آن است. در این واقعه، علاوه بر اینکه تقوا و خویشتن داری ایشان کاملاً مشهود است، ایمان به حضور خدا، صبر در برابر گناه، متوسل شدن به خدا، استعاذه به خدا، آگاهی (از عواقب شوم گناه)، داشتن امید به خدا و... نیز کاملاً آشکار است. تقوای حضرت سبب بزرگی و اعتبار او در اجتماع آن زمان گردید و موفقیت‌های اجتماعی ایشان به واسطه حفظ تقوا و از میان برداشتن موانع آن، محقق شد. چنان‌که در آیه ۶۵ و ۷۵ سوره یوسف بدان اشاره شده است. قرآن مهم‌ترین نمونه بازتاب بینش و نگرش توحیدی و تقوای عملی وی را در داستان زنان گزارش کرده است. در این آیات واکنش یوسف (ع) نسبت به موانعی مانند: هنجارشکنی و خیانت در امانت و فحشاگری گزارش می‌شود تا دانسته شود که شخص متقی در عمل اجتماعی خویش چگونه رفتار میکند و چگونه با حفظ حرمت‌ها و پاسداشت آموزه‌های وحیانی و هنجارهای اجتماعی تقوا در همه عرصه‌های زندگی خویش از آثار و نتایج آن بهره‌مند می‌شود. حضرت در محیط آلوده مصر به هنجارهای عام اجتماعی بر پایه تقوای الهی عمل می‌کند.

## نتیجه

حفظ تقوا، لازمه‌اش شناخت موانع بازدارنده از آن بوده و شرط تقویت آن، رفع موانع است. چه بسیار افرادی که تقوا داشته‌اند اما به واسطه ارتکاب گناهان، در حفظ آن ناکام مانده‌اند. دلیل این امر در مرحله نخست، ندانستن موانع بازدارنده از تقوا بوده و در مرحله بعد، برطرف نشدن موانع است. با توجه به مطالب ذکر شده نتایج زیر به دست می‌آید.

۱. برطرف نمودن موانع بازدارنده از تقوا سبب حفظ تقوا شده و محفوظ ماندن تقوا موجب پاک شدن نفس از کدورت‌ها و آلاینده‌ها خواهد شد که به دنبال آن اعمال نیک اثر بیشتری داشته و به هدف عبادات نزدیک‌تر شده و اثرات فردی و جمعی آن در اجتماع نمایان می‌شود.

۲. سر‌بزرگ عبادات در این است که انسان به واسطه انجام عبادات در از میان برداشتن موانع بازدارنده از تقوا و نفوذ نکردن موانع، موفق خواهد بود، در نتیجه به مرور و با تکرار این عبادات، موانع تقوا از میان رفته و به جامعه‌ای مطلوب و سعادت ابدی افراد منتهی خواهد گشت.

۳. با در نظر گرفتن اوامر و نواهی موجود در قرآن کریم برای زدودن موانع تقوا، به نظر می‌رسد هر آنچه برای رفع موانع بر آن تأکید شده کاملاً جامع و راهگشا بوده، و بر اساس تعالیم قرآن کریم افراد و جامعه‌ای که در راستای این فرامین عمل نمایند در رفع موانع بازدارنده از تقوا موفق بوده و حفظ تقوا و تقویت آن تنها در همین حالت میسر خواهد بود.

۴. تقوای فردی یعنی برطرف کردن موانع بازدارنده از تقوا در خود؛ قُوا أَنْفُسَكُمْ وَ أَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا النَّاسُ وَ الْحِجَارَةُ (تحریم: ۶) خودمان را از آتش دوزخ الهی، از آتش غضب الهی دور کنیم؛ این تقوای فردی است. تقوای اجتماعی، همان تقوای جمعی است، که تک تک افراد در آن سهیم هستند، یعنی در تحقق مواردی که قرآن از جامعه مطالبه کرده است، همگان موثر بوده و برای رفع موانع بازدارنده از آن و همچنین حفظ آن باید تلاش نمایند.

۵. ابعاد فردی تقوا با ابعاد اجتماعی آن در هم تنیده است و اگر از ابعاد اجتماعی تقوا غفلت شود، تقوای فردی نیز از بین خواهد رفت. جامعه‌ای که از تقوای الهی بهره‌مند است، به حفظ سنت‌ها و آداب و رسوم نیک و سازنده پایبند خواهد بود. خداوند در آیات ۳۲۱ تا ۶۲۱ سوره آل‌عمران با تأکید بر صبرپیشگی امت می‌فرماید که چگونه تقوا و صبر موجب می‌شود تا امتی به امدادهای غیب الهی دست یابند و در برابر دشمنی که به ظاهر از همه امکانات و قدرت‌های بیشتری بهره‌مند است پیروز شوند.

۶. با توجه به مطالب مطرح شده و بر اساس تعالیم قرآنی، به نظر می‌رسد که تنها افراد و جامعه‌ای به سعادت‌مندی و عاقبتی نیک، دست خواهند یافت، که در رفع موانع بازدارنده از تقوا موفق بوده باشند. و این مهم صرفاً بر اساس راهکارهایی که ذکر شد محقق می‌شود.

۷. رفع موانع بازدارنده از تقوا، جامعه‌ای مطلوب را فراهم می‌سازد و شرط داشتن چنین جامعه‌ای، شناخت موانع بازدارنده از تقوا است. همچنین به واسطه انجام اوامر الهی و ترک نواهی تعیین شده در قرآن، تقوای فردی و اجتماعی حفظ و تقویت می‌شود و سعادت‌مندی افراد در جامعه اسلامی تنها با تقوای اجتماعی تحقق خواهد یافت.



## منابع

علاوه بر قرآن کریم،

۱. آمدی، عبد الواحد بن محمد (۱۳۶۶ش)، *تصنیف غرر الحکم و درر الکلم*، تحقیق: مصطفی درایتی، قم، انتشارات مکتب الاعلام الاسلامی.
۲. آملی، حیدر (۱۴۱۳ق)، *تفسیر المَحيطُ الأعظم*، قم، انتشارات نور علی نور.
۳. آشتیانی، احمد (۱۳۶۲ش)، *طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز*، تهران، انتشارات کتابفروشی صدوق.
۴. ابن عاشور، محمد الطاهر (۱۴۱۴ق)، *التحریر و التنویر*، تونس، انتشارات دارسحنون.
۵. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۲۶ق)، *لسان العرب*، تحقیق: یوسف البقاعی و ابراهیم شمس‌الدین، بیروت، انتشارات مؤسسه علمی مطبوعات.
۶. الهامی‌نیا، اصغر (۱۳۸۸ش)، *اخلاق*، قم، انتشارات زمزم هدایت.
۷. انصاری، خواجه عبدالله (۱۳۹۱ش)، *شرح منازل السائرين*، چاپ دوم، تهران، انتشارات چاپ و نشر بین‌الملل.
۸. بحرانی، سید هاشم (۱۴۱۵ق)، *البرهان فی تفسیر القرآن*، چاپ اول، تهران، انتشارات بنیاد بعثت.
۹. ترمذی، محمد بن عیسی (۱۴۰۱ق)، *سنن الترمذی*، استانبول.
۱۰. بخاری الجعفی، محمد بن إسماعیل (۱۴۰۷ق)، *صحیح البخاری*، چاپ سوم، بیروت، انتشارات دار ابن کثیر.
۱۱. سیوطی، جلال‌الدین عبدالرحمن (۱۴۰۴ق)، *الدر المنثور فی التفسیر بالمأثور*، قم، مکتب‌هایت‌الله المرعشی النجفی.
۱۲. ثعلبی، احمد بن محمد (۱۴۲۲ق)، *الکشف و البیان*، بیروت، انتشارات دار إحياء التراث العربی.
۱۳. حسکانی نیشابوری، عبیدالله بن عبدالله بن احمد (۱۴۱۱ق)، *شواهد التَّنزیل لقواعد التَّفصیل*، وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۱۴. حرانی، ابن شعبه (۱۳۶۳ش)، *تحف العقول عن آل الرسول صلی الله علیهم*، قم، انتشارات علی‌اکبر غفاری.
۱۵. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۶ش)، *تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعه*، قم، انتشارات کتابچی.

۱۶. حویزی، عبدعلی بن جمعه (۱۳۸۳ق)، *تفسیر نور الثقلین*، قم، انتشارات مطبوعه العلمیه.
۱۷. حیدری، کمال (۱۴۲۶ق)، *التقوی فی القرآن*، قم، انتشارات دار فراق.
۱۸. رازی، فخرالدین (بی‌تا)، *تفسیر کبیر فخر رازی*، چاپ دوم، بیروت، انتشارات دار احیاء التراث العربی.
۱۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۴۱۲ق)، *المفردات فی غریب القرآن*، بیروت، انتشارات دارالعلم.
۲۰. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (۱۳۸۶ق)، *علل الشرایع*، نجف، انتشارات مطبوعه الحیدریه.
۲۱. صدوق، ابوجعفر محمد بن علی بن حسین بن موسی بن بابویه قمی (۱۳۸۹ش)، *معانی الأخبار*، تصحیح علی‌اکبر غفاری، قم، انتشارات ارمغان طوبی.
۲۲. طباطبایی تبریزی، سید محمد حسین (۱۴۱۷ق)، *المیزان فی تفسیر القرآن*، قم، انتشارات جامعه مدرسین.
۲۳. طبرسی، فضل بن حسن (۱۴۱۲ق)، *مجمع البیان لعلوم القرآن*، چاپ دوم، تهران، انتشارات دارالمعرفه.
۲۴. طبری، ابوجعفر محمد بن جریر (۱۴۱۲ق)، *جامع البیان فی تفسیر القرآن (تفسیر الطبری)*، بیروت، انتشارات دارالمعرفه.
۲۵. طریحی، فخرالدین (۱۹۵۳م)، *تفسیر غریب القرآن الکریم*، نجف، انتشارات مطبوعه الحیدریه.
۲۶. طبیب، سید عبدالحسین (۱۳۹۳ق)، *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*، چاپ دوم، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ اسلامی کوشان پور.
۲۷. عبدالباقی، محمدفؤاد (۱۴۱۸ق)، *المعجم المفهرس لالفاظ القرآن الکریم*، چاپ چهارم، بیروت، انتشارات دارالفکر.
۲۸. قرائتی، محسن (۱۳۷۹ش)، *تفسیر نور*، چاپ پنجم، قم، انتشارات مؤسسه در راه حق.
۲۹. قرشی، سید علی اکبر (۱۳۷۷ش)، *احسن الحدیث*، تهران، بنیاد بعثت.
۳۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۴۰۴ق)، *تفسیر القمی*، قم، انتشارات دارالکتب.
۳۱. کفعمی، تقی الدین (۱۳۲۱ق)، *مصباح الکفعمی*، تهران، انتشارات چاپخانه مدرسه فخریه.
۳۲. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۶۷ش)، *الکافی*، تحقیق: علی اکبر غفاری، انتشارات دارالمکتب الاسلامیه.

۳۳. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۸۸ش)، *تحفه الأولیاء*، مترجم: محمد علی اردکانی، تهران، انتشارات دار الحدیث.
۳۴. کلینی رازی، ابوجعفر محمد بن یعقوب (۱۳۹۴ش)، *فروع کافی*، انتشارات قدس.
۳۵. متقی هندی، علاءالدین علی بن حسام (۱۴۱۳ق)، *کنز العمال*، بیروت، انتشارات مؤسسه الرساله.
۳۶. مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۳ق)، *بحار الانوار*، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۷. مصطفوی، حسن (۱۳۷۱ش)، *التحقیق فی کلمات القرآن الکریم*، تهران، انتشارات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
۳۸. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۷۷ش)، *شرح حدیث جنود عقل و جهل*، تهران، انتشارات مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی (ره).
۳۹. مبینی، احمد بن محمد (۱۳۷۱ش)، *کشف الاسرار و عده الابرار*، تهران، انتشارات امیر کبیر.
۴۰. نوری، حسین بن محمدتقی (۱۴۰۸ق)، *مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل*، چاپ اول، بیروت، انتشارات مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث.
۴۱. هاشمی رفسنجانی، اکبر (۱۳۷۹ش)، *فرهنگ قرآن*، قم، انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.